

دیوان جا

جلد دوم

واسطہ لغت، خاتمہ الحیات

نور الدین عجب الرحمن بن احمد جا

(۸۱۷-۸۹۸ھ ق. ۰)

مقدمہ و تصحیح

اعلا خان افصح زاد

زیر نظر

دفتر نشر میراث مکتوب

جامی، عبدالرحمن بن احمد، ۸۱۷-۸۹۸ ق.

[دیوان]

دیوان جامی / نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی؛ مقدمه و تصحیح: اعلاخان افصح‌زاد؛ با همکاری انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی، زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب - تهران: مرکز مطالعات ایرانی؛ دفتر نشر میراث مکتوب، آینه میراث، ۱۳۷۸.

۲ ج - (میراث مکتوب؛ ۵۷: زبان و ادبیات فارسی؛ ۱۴)

ISBN 964-6781-15-2 (2 VOL. SET)

ISBN 964-6781-13-6 (VOL. 1)

ISBN 964-6781-14-4 (VOL. 2)

Nur al-Din 'Abd al-Rahmān ibn Aḥmad Jāmi. Divān-e Jāmi

ص.ع. به انگلیسی:

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).

مندرجات: ج. ۱. فاتحه‌الشباب - ج. ۲. واسطه‌العقد. خاتمة الحیاة.

۱. شعر فارسی - قرن ۹ ق. الف. افصح‌زاد، اعلاخان، ۱۹۳۵ - ، مقدمه‌نویس. ب. دفتر نشر

میراث مکتوب. آینه میراث ج. عنوان.

۸۴ / ۳۳

PIR ۵۶۹۵

د ۱۷۹ ج

۱۳۷۸

۱۳۷۸

م ۷۸-۴۸

کتابخانه ملی ایران

مرکز مطالعات ایرانی



دیوان جامی

جلد دوم

«واسطه‌العقد - خاتمة الحیاة»

نورالدین عبدالرحمان بن احمد جامی (۸۱۷-۸۹۸ ه.ق.)

مقدمه و تصحیح: اعلاخان افصح‌زاد

با همکاری انستیتو شرق‌شناسی و میراث خطی

زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب

ناشر: مرکز مطالعات ایرانی

چاپ اول: ۱۳۷۸

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

شابک ۴-۱۴-۶۷۸۱-۹۶۴ (جلد ۲)

شابک ۲-۱۵-۶۷۸۱-۹۶۴ (دوره ۲ جلدی)

حروفچین و صفحه‌آرا: محمود خانی؛ نمونه خوان: عبدالحسین مهدوی

خطاطی روی جلد: احمد عبدالرضایی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

این اثر زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب و با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است.

همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان میرزای شیرازی، خیابان شاهین، پلاک ۷۶، طبقه همکف، تلفن: ۸۳۵۳۶۵

نشانی دفتر نشر میراث مکتوب: تهران، ص.پ: ۵۶۹-۱۳۱۸۵، تلفن: ۳-۶۴۹۰۶۱۲

مقدمه مصحح

بحثی راجع به میراث ادبی و علمی جامی

مولانا عبدالرحمان جامی از شعرا و علمای پر محصول است که فعالیت ادبی و علمی او خیلی بر وقت شروع شده بیشتر از پنجاه سال ادامه یافته است. از نامه به عنوان علامه صلاح‌الدین موسی قاضی‌زاده رومی (فوت ۸۴۱ = ۱۴۳۷) تقریباً سال ۸۳۹ = ۱۴۳۵ نوشته او معلوم می‌گردد که وی در همان سال به یکی از کتب راجع به علم هیئت یا نجوم که تألیف پیشینیان و یا قاضی‌زاده رومی بوده است شرح بسته آن را به سمرقند خدمت قاضی‌زاده ارسال می‌دارد. خود جامی بارها تذکر می‌دهد که از آوان شهاب به گفتن اشعار شروع نموده است. گذشته از این سرچشمه‌های ادبی از واقعه شهرت غزل‌های او هنوز در زمان عبداللطیف پسر الُغَبیک (قتل ۸۵۴ = ۱۴۵۰) خبر می‌دهند. به ویژه در بیست و پنج سال اخیر زندگی جامی فعالیت ادبی او بسی گسترش می‌یابد و او در ردیف پر محصول‌ترین ادیبان تاجیک و فارس قرار می‌گیرد. اما راجع به تعداد و اسامی آثار جامی همیشه اختلاف نظر وجود داشته است. حتی شاگردان و نزدیکان شاعر تعداد و نام اثرهای او را به طرز گوناگون آورده‌اند. نوایی در خمسة المتحیرین سی و نه و در نسایم المحبة باز یکتا یعنی جمعاً چهل اثر جامی را^۱، عبدالغفور لاری در تکمله^۲ چهل و هفت و عبدالواسع نظامی در مقامات جامی^۳ چهل و دو اثر او را نام برده‌اند. به همین علت قرنه‌است که این مسئله مورد بررسی و بحث پژوهشگران و اهل تألیف قرار گرفته، اکثر معتقد آن بوده‌اند که تعداد آثار جامی را برابر عدد حروف تخلص او می‌دانسته‌اند، یعنی

۱. جامی و نوایی، مجموعه به زبان ازبکی به الفبای روسی، تاشکند، ۱۹۶۶، ص ۴۸ - ۴۹، ۱۱۴.

۲. عبدالغفور لاری، تکمله بر نفحات الانس، کابل، ۱۳۴۳، ص ۳۹.

۳. عبد الواسع نظامی، مقامات مولوی جامی، دستنویس کتابخانه فردوسی تاجیکستان شماره ۱۴۳۰ ورق A ۱۳۸.

ج = ۱، ۳ = ۱، م = ۴۰، ی = ۱۰ جمع ۵۴. از جمله عبدالله کابلی (عصر ۱۷ میلادی) می نویسد: در مصنفات شریفش که بین الخاص و العام در عالم مشهور است، به عدد حروف جامی پنجاه و چهار است^۱ ولی هیچ کس اثرهای جامی را به این شماره مطابق کرده نتوانسته است. به احتمال قوی این اندیشه اهمیت افسانه‌ای یا روایتی دارد.

اسناد تاریخی گواهی می دهند که جامی کلیات آثار خویش را خود در اواخر عمر مرتب ساخته است، زیرا در دیباچه آن عبارات ذیل به چشم می رسد: «این فقیر مستهام و اسیر خیالات و اوهام ... در همه حال چون گوی سرگردان میدان گفت و گوی بوده ... سخنش متنوع افتاده ... بعضی از قبیل نثر ... و بعضی از مقوله نظم ... و هر یک اینها گرچه جدا جدا به نظر ناقدان بصیر و مبصران خبیر رسیده و سمت قبول یافته شک نیست که هیئت اجتماعی مرکبات را حالتی هست که در صورت افتراقی مفردات آن نیست ... لاجرم در این ولا چنان در خاطر آمد که مجموعه‌ای مرتب [کنم] که مرآت جمال وحدت آن کثرت و آیین کمال جمعیت آن متفرقات باشد و چون بر این معنی اقدام نموده شد و به توفیق اله سبخانه به اتمام رسانیده به معرض عرض فاضلان ... رسانیده می شود. امید است که از شرف قبول آن سر بلندان بهره مند گردد^۲».

یکی از نسخ قدیمترین کلیات نامبرده که سال ۹۰۸ = ۱۵۰۲ - ۱۵۰۳ در هرات از طرف محمد بن حسن شاه الکاتب الهروی استنساخ شده، شامل ۳۸ اثر جامی است. این نسخه پر ارزش که ۶۳۱ برگ و حجم آن ۲۸/۵ × ۳۹ سانتیمتر است، با شماره ۱۳۳۱ در گنجینه دستنویسهای شرقی اکادمی علوم ازبکستان نگاهداری می شود^۳. نسخه دوم همین کلیات زیر شماره ۴۲۲ Dorn در کتابخانه دولتی عمومی سنت پیتربورگ محفوظ است و سالهای ۹۳۱ - ۹۳۶ = ۱۵۲۵ - ۱۵۳۰ استنساخ گردیده است.^۴ طبق جدول دایره

۱. عبدالله کابلی، تذکره التواریخ، نسخه خطی گنجینه شرقی اکادمی علوم ازبکستان، شماره ۲۰۹۳ ورق A ۱۵۲.

۲. عبدالرحمان جامی، کلیات شماره ۱۳۳۱ اوراق ۱ ب - ۲ آ (ازین پس شماره‌های قوسین در متن با اشاره «کلیات» شماره اوراق همین نسخه را می رساند).

۳. فهرست دستنویسهای شرقی اکادمی علوم ازبکستان، بزبان روسی، ج ۲، ص ۴۰۹ - ۴۱۵.

۴. فهرست درن، به زبان فرانسوی، ص ۳۶۹ - ۳۷۴.

شکل منقش که در عنوان کتاب جا دارد، این نسخه نیز می‌بایست ۳۸ اثر کلیات شماره ۱۳۳۱ را ثبت می‌کرده است. ولی به علت کم توجهی و راق که در هیچ جا نام خود را ذکر نمی‌کند، برخی از اثرها از نسخه بیرون مانده دفتر دوم سلسله الذهب، حلیه حلل، رساله کبیر در معما و رساله قافیه دو مراتب رونویس شده، رساله متوسط در معما زیر عنوان رساله صغیر از معما و رساله صغیر در معما زیر عنوان رساله اول از معما آمده‌اند. در نتیجه از ۳۸ اثر در عنوان ذکر یافته تنها ۲۹ عدد آن در کتاب مندرج گشته مابقی مانند نقد النصوص، لوامع، فی شرح قصیده میمه خمربه فاضیه، شرح قصیده نائیه، رساله شرایط ذکر، رساله مناسک حج، رساله موسیقی، رساله سخنان خواجه پارسا، رساله فی الوجود و تحقیق المذاهب از آن بیرون مانده‌اند. ترتیب تألیفات جامی در نسخ ۱۳۳۱ و ۴۲۲ Dorn چنین است:

۱- شواهد النبوة لتقوية الفتوة (برگهای ۲B- ۱۰۴B؛ ۱B- ۱۴۲A). پیش از این اثر نسخه ۱۳۳۱ مقدمه جامی را راجع به سبب مرتب کردن کلیات مندرج است که نسخه ۴۲۲ Dorn آن را ندارد.

- ۲- نفحات الانس من حضرات القدس (برگها ۱۰۵B- ۲۷۷A؛ ۱۴۴B- ۴۰۴B).
- ۳- نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص (برگهای ۲۷۷B- ۳۳۲A).
- ۴- اشعة اللمعات (برگهای ۳۳۲B- ۳۶۹B؛ ۶۶۴B- ۷۲۰).
- ۵- لوامع فی شرح قصیده میمه خمربه فاضیه (برگهای ۳۷۰A- ۳۸۵B).
- ۶- شرح قصیده نائیه (برگهای ۳۸۶A- ۳۹۲B).
- ۷- رساله شرائط ذکر (برگهای ۳۹۳A- ۳۹۴B).
- ۸- رساله مناسک حج (برگهای ۳۹۴B- ۴۹۶B).
- ۹- بهارستان (برگهای ۴۹۷A- ۴۳۱B؛ ۷۷۴B- ۸۱۲B).
- ۱۰- رساله عروض (برگهای ۴۳۲A- ۴۳۸A؛ حاشیه ۷۴۸B- ۷۵۹A).
- ۱۱- رساله موسیقی (برگهای ۴۳۸B- ۴۴۶A).
- ۱۲- لوايح (برگهای ۴۴۶B- ۴۴۹B؛ حاشیه ۷۰۱B- ۷۱۸A).
- ۱۳- دیوان اول فاتحة الشباب با مقدمه منثور سه دیوان (برگهای ۴۵۰A- ۵۴۹A؛ ۴۰۷B- ۵۶۹B).

- ۱۴- دیوان ثانی واسطة العقد (برگهای ۵۵۰A-۵۹۰A؛ حاشیه ۴۰۷B-۵۳۷B).
- ۱۵- دیوان ثالث خاتمة الحیات (برگهای ۵۹۰B-۸۱۹B؛ حاشیه ۳۲۷B-۴۶۰B).
- پانزده اثر مذکور در نسخه شماره ۱۳۳۱ در متن اساسی جا گرفته، اثرهای دیگر در حاشیه آن درج گردیده‌اند.
- ۱۶- دفتر اول سلسلة الذهب با خطبه هفت اورنگ (برگهای ۱B-۸۴A؛ ۵۸۸A-۶۴۰A).
- ۱۷- دفتر دوم سلسلة الذهب (برگهای ۸۴A-۱۱۷A؛ ۷۲۱B-۷۴۳A؛ باز تکراراً حاشیه ۵۸۶B-۶۲۹B).
- ۱۸- سلامان و ايسال (برگهای ۱۱۷B-۱۴۲A؛ ۵۷۱A-۵۸۷B).
- ۱۹- دفتر سوم سلسلة الذهب (برگهای ۱۴۲A-۱۶۵A؛ ۷۴۳B-۷۵۷A).
- ۲۰- تحفة الاحرار (برگهای ۱۶۵B-۲۰۱A؛ ۲B-۴۸A).
- ۲۱- سبحة الابرار (برگهای ۲۰۱B-۲۵۹B؛ حاشیه ۴۸B-۱۲۵A).
- ۲۲- يوسف و زليخا (برگهای ۲۶۱A-۳۴۰B؛ حاشیه ۱۲۵B-۲۲۹A).
- ۲۳- لیلی و مجنون (برگهای ۳۴۱A-۴۱۷A؛ حاشیه ۲۲۹B-۳۲۵B).
- ۲۴- خردنامه اسکندری (برگهای ۴۱۷B-۴۶۴B؛ حاشیه ۶۴۱B-۷۰۰A).
- ۲۵- رساله کبير در معما - حلیه حل (برگهای ۴۶۵A-۴۹۶B؛ حاشیه ۵۳۸B-۵۷۳A؛ تکراراً حاشیه ۷۷۴B-۸۰۹B).
- ۲۶- رساله صغير در معما (برگهای ۴۹۷A-۵۱۱A؛ حاشیه ۷۶۵B-۷۷۳B).
- ۲۷- رساله متوسط در معما (برگهای ۵۱۱A-۵۲۵A؛ ۷۵۹B-۷۶۹B).
- ۲۸- رساله قافیه (برگهای ۵۲۵B-۵۲۸B؛ حاشیه ۵۷۶B-۵۸۰A؛ تکراراً حاشیه ۷۶۱B-۷۶۵A).
- ۲۹- رساله معمای منظوم اصغر (برگهای ۵۲۹A-۵۳۰B؛ حاشیه ۵۷۳B-۵۷۶A).
- ۳۰- منشآت (برگهای ۵۳۱A-۵۶۵B؛ ۶۴۱B-۶۶۶A).
- ۳۱- رساله سخنان خواجه پارسا (برگهای ۵۶۶A-۵۷۰B).
- ۳۲- شرح بیتین مثنوی (برگهای ۵۷۱A-۵۷۴A؛ حاشیه ۵۸۰B-۵۸۵A).
- ۳۳- اربعین حدیث - چهل حدیث (برگهای ۵۷۴B-۵۷۷B؛ حاشیه ۶۳۰B-۶۳۴B).

۳۴- رساله فی الوجود (برگهای ۵۷۸A-۵۸۰A).

۳۵- شرح بیت امیر خسرو (برگهای ۵۸۰B-۵۸۲A؛ حاشیه ۷۵۹B-۷۶۱B).

۳۶- شرح حدیث ابی رزین العقیلی (برگهای ۵۸۲B-۵۸۳B؛ حاشیه ۶۳۵B-۶۳۶B).

۳۷- تحقیق المذاهب (برگهای ۵۸۴A-۵۹۴B).

۳۸- شرح رباعیات (برگهای ۵۹۷A-۶۲۱A؛ حاشیه ۷۲۱B-۷۴۸B).

علاوه بر این ۳۸ اثر شاگردان و نزدیکان جامی از تفسیر، شرح فصوص الحکم (نوایی، لاری، نظامی)، فوائد ضیائیه (لاری، نظامی)، رساله جواب سؤال و جواب هندوستان، رساله لا اله الا الله، شرح بعضی از مفتاح الغیب، صرف فارسی منظوم و متور و رساله کبیر مناسک حج (لاری) را نام برده‌اند. اگر این همه آثار متعلق به مولانا عبدالرحمان جامی باشند، چرا به کلیات او وارد نشده‌اند؟ به اندیشه ما جامی به فراهم آوردن کلیات نزدیک سال $۸۹۶ = ۱۴۹۰$ کمی پیشتر از ترتیب دادن دیوان سوم خویش شروع کرده است، زیرا او در مقدمه کلیات برابر آثار منظوم خود از هفت داستان «سبعه» چون «مثنویات هفتگانه که به هفت‌اورنگ ملقب شده است» نام برده، دو دیوان خود را بدون عنوان به طرز «دیوان قدیم و جدید» (کلیات، برگ ۲A) ذکر کرده است. باید یادآور شد که دیوان سوم جامی سال $۸۹۶ = ۱۴۹۱$ تدوین یافته، نامگذاری دیوانهای سه گانه او سال $۸۹۷ = ۱۴۹۲$ صورت گرفته بود. چون دیوان سوم با مقدمه عمومی دیوانهای سه گانه در کلیات جا دارد، گمان قوی می‌رود که گرد آوری کلیات شاید در اوایل سال $۸۹۶ = ۱۴۹۱$ پایان پذیرفته باشد. از همین جهت دو کتابی که پس از این تاریخ تألیف گردیده‌اند، از آن بیرون مانده‌اند. این دو کتاب عبارتند از فصوص الحکم (سال تألیف $۸۹۶ = ۱۴۹۱$) و فوائد ضیائیه (تاریخ تألیف ۱۱ رمضان $۸۹۷ = ۷$ جولای ۱۴۹۲). طبیعی است که رساله کبیر مناسک حج (سال $۸۷۷ = ۱۴۷۲$ در راه بغداد مفقود شده)، تفسیر و شرح مفتاح الغیب (هر دو ناتمام) و رساله لا اله الا الله (که اثر مستقل نبوده شرح کلمه طیبیه را از آغاز فوائد ضیائیه فرا می‌گیرد) نیز به آن داخل شده نمی‌توانستند. رساله جواب سؤال و جواب هندوستان و صرف فارسی منظوم و متور باید با چنین اسباب شامل آن نشده باشند. به همین طریق بر ۳۸ اثر مندرج در کلیات کتب ذیل را بدون تردید به نامبرد آثار جامی علاوه کردن لازم می‌شود:

۳۹- شرح فصوص الحکم. ۴۰- فوائد ضیائیه. ۴۱- تفسیر (ناتمام). ۴۲- شرح مفتاح الغیب. ۴۳- رساله جواب سؤال و جواب هندوستان. ۴۴- صرف فارسی منظوم و منثور. ۴۵- رساله کبیر مناسک حج. ۴۶- کتابی در علم نجوم یا هیئت که در جوانی نوشته.

در وقت حاضر به نظر ما فهرست جامعترین آثار جامی همین است. رساله لا اله الا الله که آغاز فوائد ضیائیه است و قصیده‌های «لجۃ الاسرار» و «جلاء الروح» گاهی چون اثر علی‌جده نام برده می‌شوند، ولی آنها را نمی‌توان کتاب جداگانه شمرد. در نسخه چاپی تکمله عبدالغفور لاری و مقامات مولوی جامی عبدالواسع نظامی لوامع و «شرح قصیده خمریه میمیه فارضیه» چون دو اثر علی‌جده به طرز لوامع، «شرح بعضی ابیات تائیه فارضیه»، «شرح قصیده خمریه میمیه فارضیه» ذکر شده‌اند. اما ناشر تکمله بشیر هروی خبر می‌دهد که «در یکی از دو نسخه تکمله که فهرست مصنفات مولانا جامی را متضمن است (نسخه «ب») تنها نام لوامع آمده و از «شرح قصیده خمریه» ... ذکری در میان نیست ولی در نسخه اصل بعد از نام لوامع نام «شرح بعضی ابیات تائیه فارضیه» و پس از آن نام «شرح قصیده خمریه میمیه فارضیه» آمده است»^۱.

در یکی از نسخ خیلی قدیم تکمله که با شماره ۴۹۲/۲ در گنجینه دستنویسهای شرقی اکادمی علوم تاجیکستان محفوظ است (کتابتش تقریباً در اواخر سده ۱۵ و یا اوایل سده ۱۶ میلادی صورت گرفته است) مثل نسخه با حرف «ب» اشارت کرده بشیر هروی تنها لوامع ثبت شده از «شرح قصیده خمریه میمیه فارضیه» نام برده نمی‌شود.^۲

اهل کتب هر قدر از زمان جامی دورتر شده‌اند، همان اندازه فهرست آثار او را کم زیاد کرده‌اند. در تذکره تحفه سامی^۳ از آثار جامی که نوایی، لاری و نظامی نام برده‌اند، صرف فارسی منظوم و منثور و رساله کبیر مناسک حج ذکر نشده، شرح حدیث ابی‌رزین العقیلی چون «شرح حدیث ابی‌ذر غفاری» نامبر شده، دو کتاب: مناقب مولوی (جلال‌الدین رومی) و مناقب خواجه عبدالله انصاری علاوه گردیده است. گروهی از دانشمندان حدس زده‌اند که

۱. تکمله، ص ۶۹؛ عین همین ترتیب در مقامات جامی (تاشکند، شماره ۱۳۵۴ برگ ۱۴۰A) می‌آید، اما در نسخه در دوشنبه محفوظ بوده مقامات جامی به جای میمیه - شمسیه ثبت شده است که غلط است.

۲. تکمله، نسخه خطی ۴۹۲/۲ برگ ۲A. ۳. تحفه سامی، تهران، ۱۳۱۴، ص ۸۶-۸۷.

دو رساله اخیر شاید جزو ه‌ای نفحات الانس باشند و این اندیشه به حقیقت نزدیک است، زیرا ما راجع به مناقب مولوی معلوماتی در دست نداشته باشیم هم، متن «مقامات شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری»^۱ تنها با بعضی کلمه و عبارات از متن نفحات الانس تفاوت دارد و اگر همین رساله «مناقب خواجه عبدالله انصاری» باشد، آن را اثر مستقل نمی‌توان شمرد. درباره شرح حدیث ابی‌رزین العقیلی گفتن لازم است که نام محدث نامبرده را مؤلفان سرچشمه‌های ادبی و تاریخی به شکلهای مختلف چون ابی‌رزین العقیلی (تکمله، نسخه ۴۹۲/۲، برگ A ۴۰) ابی‌ذر بن عقیل (تکمله، ص ۳۹ توضیحات ناشر، ص ۷۱؛ عرفات العاشقین = مقدمه دیوان کامل جامی، ص ۱۱۹)، ابی‌ذر بن عقیلی (مقدمه دیوان کامل جامی، ص ۲۹۹) نوشته‌اند که درستش ابی‌رزین العقیلی است، زیرا سخن محض از لقیط بن المنتفق بن عامر بن عقیل العامری العقیلی ابی‌رزین ABERAZIN می‌رود که از اصحاب پیغامبر اسلام بوده است.^۲ در اشعة اللمعات فی شرح مشکاة نیز این حدیث را از نام ابی‌رزین می‌آرد.^۳ اما آنها که نام راوی این حدیث را به شکل ابی‌ذر غفاری (سام میرزا، حکمت، برتلس، نفیسی، هاشم رضی و چندی دیگر) آورده‌اند، این ابی‌رزین را محدث دیگر ابی‌ذر الغفاری (فوت ۳۲ = ۶۵۲) که از ابی‌رزین مشهورتر است، پنداشته‌اند.

در تذکره تحفه سامی اشکال دیگری وجود دارد که در فهرست آثار جامی چنین عبارت موجود است: «رساله منظومه بهارستان» علی اصغر حکمت این عبارت را به دو قسمت جدا کرده به شکل «۲۹، رساله منظومه، ۳۰، بهارستان» ثبت می‌کند.^۴ اما هاشم رضی آن را چون «رساله منظومه بهارستان»^۵ پذیرفته است. در هر دو صورت اشتباه رخ

۱. مقامات شیخ الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری هروی، فراهم آورده جامی، به تصحیح و حواشی فکری سلجوقی از روی نسخه اربری، کابل ۱۳۴۳ = ۱۹۶۴، مقایسه شود با نفحات الانس، تهران، ۱۳۳۶، ص ۳۳۱ - ۳۵۶.
۲. محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، مصر، ۱۳۰۴، ج ۵، ص ۲۱۷.
۳. عبد الحق محدث، اشعة اللمعات فی شرح مشکاة، لکهنو، ۱۳۰۷، ج ۴، ص ۴۸۴.
۴. علی اصغر حکمت، جامی، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۶۱ - ۱۶۳.
۵. هاشم رضی، مقدمه دیوان کامل جامی، تهران، ۱۳۴۱، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.

داده است، زیرا شکل قبول کرده هاشم رضی خلاف حقیقت است، چونکه بهارستان را نه منظومه شمردن ممکن است و نه رساله. اگر خواننده علی اصغر حکمت را پذیرا شویم، زیر عنوان رساله منظومه کدام اثر جامی نهان بودن را پی برده نمی توانیم. شاید رساله منظومه همان اعتقاد نامه و یا نتیجه اشتباه یگان کاتب و یا خود مؤلف تذکره باشد. این اشتباهات در نوشته های محققان امروز نیز گاهی به مشاهده می رسند.

علی اصغر حکمت فهرست سام میرزا را جامعترین فهرست مؤلفات جامی دانسته علاوه می کند: «مولانا عبدالغفور لاری ... سه مجلد به آثار استاد افزوده که در تحفه سامی قید نشده و آن سه عبارت است از: ۱. شرح ابی رزین عقیلی ۲. رساله فی الواحد ۳. صرف فارسی منظوم و مثنوی و البته فهرست عبدالغفور و معتبرتر از تحفه سامی است^۱». جمله دوم حکمت کاملاً درست است ولی چنانکه در بالا اشارت رفت، یک اثر جامی اصلاً شرح حدیث ابی رزین عقیلی بوده، «شرح حدیث ابی ذر غفاری» تصحیف آن است. رساله فی الواحد در نتیجه تصحیف رساله فی الوجود پیدا شده، همه نسخه های تکمله که ما دیدیم آن را در شکل درست رساله فی الوجود آورده اند^۲. لیکن رساله صرف فارسی منظوم و مثنوی جامی را تنها لاری ذکر می نماید. ی. برتلس^۳ در فهرست تصنیفات جامی موجودیت اختلافات زیاد را قید نموده، احتمال به ۴۵ - ۴۷ نزدیک بودن عدد عمومی آنها را تخمین می کند. ولی در فهرست با استفاده نامبرد آثار در نسخه کلیات شماره ۱۳۳۱ و اقتباسهای حکمت از تحفه سامی و گفتار لاری ۵۲ اثر را به نام جامی آورده، چنان ظاهر می گرداند که گویا همه اثرها را خودش مستقیماً استفاده برده باشد. اما در نتیجه استفاده غیر تنقیدی گفتار دیگران او اثرهای کلیات ۱۳۳۱ را به جای ۳۸ عدد از روی جدول اول کتاب ۳۷ نوشته، رساله عروض را که در آن جدول ذکر نشده است، او در کلیات ندیده، همچنین پی نبرده است که رساله شرایط ذکر و رساله طریقه نقشبندی یک اثر بوده، رساله فی الواحد از تصحیف رساله فی الوجود بیرون آمده، سه اثر دیگر که با نامهای «شرح حدیث»، «شرح حدیث ابی ذر

۱. علی اصغر حکمت، جامی ص ۱۶۳؛ این جمله را هاشم رضی عیناً می آورد؛ مقدمه دیوان کامل جامی ص ۲۹۹ -

۲. تکمله، ص ۳۹؛ تکمله، نسخه خطی، شماره ۴۹۲/۲، برگ ۲۰۸.

۳. برتلس، نوایی و جامی، بزبان روسی، مسکو، ۱۹۶۵، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.